

بقلم آقای دکتر بیانی

استاد تاریخ در دانشکده ادبیات

دو سند تاریخی

شارل اول پادشاه انگلیس - شاه صفی پادشاه ایران،^۱

پادشاهان صفویه بععل سیاسی و نظامی و اقتصادی باعموم دولتهای اروپائی بخصوص با آتهائی که مانند یرتقال و اسپانیا و هلند و انگلیس و فرانسه دامنه نفوذ خود را تا هندوستان و حتی چین و ژاپون بسط داده بودند در ارتباط دوستانه و سیاسی و اقتصادی داخل شدند. حسن سیاست داخلی و اقداماتی که بسیاری از زمامداران صفویه بخصوص شاه عباس کبیر در سعادت و امنیت و آبادی کشور و ملت ایران نشان داده بودند بیش از پیش اروپائی ها را بسوی ایران و ارتباط با آن جلب نموده و بدینوسیله توانستند بازرگانی و اقتصاد کشور را بمنتهای ترقی و بسط خود برسانند.

در همین زمان بود که بعض از ملل اروپائی در کرانه های هندوستان تشکیل مراکز بازرگانی داده و نظر را بسوی دریا و کشورهای اطراف آن که بمنزله آکیه گاه است معطوف داشتند. آبادی کشور و توانائی دولت ایران توجه خارجیان را روز بروز بیشتر نموده برای جلب دوستی و نزدیکی بدولت صفویه با یکدیگر بر قایت افتادند، در این تاریخ دربار اصفهان مرکز ازدحام فرستاده ها و سفیران ذربارهای مختلف اروپائی و آسیائی و نمایندگان مذهبی و بازرگانی از هر ملتی شده در جلب نظر شاه بن یکدیگر سقیم می جستند، در حقیقت میتوان گفت که اصفهان پایتخت ایران محور سیاست آسیا شده چرخ آن در دست پادشاهان صفویه در حرکت بود، آنها هم در پذیرائی بیگانگان منتهای سعی و کوشش مبذول داشته و در نگاهداشت احترام و تهیه وسائل آسایش میهمانان خود دریغ نمی کردند.

یکی از منتهائی که بیشتر جلب نظر پادشاهان و زمامداران صفویه بخصوص شاه عباس کبیر را کرد انگلیسها بودند که در تحت سرپرستی و رهبری ملکه بزرگ خود « الیزابت » در فعالیت شدید اقتصادی و سیاسی افتاده و بایست کار روز بروز بر دامنه آن وسعت میدادند .

انگلیسها چون بفکر افتادند از جزایر خود بیرون آمده و در عرصه پهناور اقیانوسها قدم بگذارند خویش را در برابر رقیبهای بزرگ خطرناک و نیرومندی مانند اسپانیائیهها که در تمام قاره های روی زمین تسلط خود را محرز داشته بودند و نیز هلندیها که بتازگی اساس قدرت بازرگانی را در اقیانوسها پی ریزی کرده بودند مشاهده نمودند و چون هنوز نیروی دریائی خود را برای برابری با چنین مواعنی کامل و تقویت نکرده بودند بفکر افتادند از راهی دیگر که ملل مذکورچندان بدان نظر نداشته ارتباط خود را با کشور های خاور زمین بر قرار نمایند ، این راه شمال اروپا و روسیه و دریا های آن بود . از این راه بود که سفیران ملکه الیزابت بایران آمده بخدمت پادشاهان صفویه رسیده و با آنها ابواب دوستی را افتتاح کرده امتیازات چندی برای بازرگانی خویش گرفتند .

دولت انگلیس پس از در هم شکستن نیروی دریائی متحد اسپانیا و پرتغال و محرز ساختن تفوق خویش در دریاها نقشه خود را که مبنی بر پیدا کردن راهی از طرف شمال آسیا بوده تغییر داده از جانب اقیانوسها باسیا و هندوستان راه یافت و بتدریج جانشین قدرت اسپانیائیهها و پرتغالیها گردید . عملی شدن این نقشه مدت چندین سال یعنی تا زمان سلطنت شاه عباس کبیر (اوایل قرن ۱۷) بطول انجامید که در این زمان روابط جدی تر و قطعی تر میان دو کشور ایجاد میشود .

ورود هیئتی انگلیسی بریاست برادران شرلی « آنتونی و ربرت » و احتیاج میرم شاه عباس بداشتن متحدی که دارای قدرت دریائی باشد برای بیرون کردن پرتغالیها و اسپانیائیهها و عثمانیهها که از مدتهای پیش بر خلیج فارس و قسمتی از خاک ایران مسلط شده بودند زمامداران ایران را بیشتر بجلب دوستی انگلیسها که در هندوستان نفوذ کامل یافته بودند وادار کرد . نزدیکی برادران شرلی بخصوص « ربرت » بشاه

و ماموریت‌های رسمی و مهمی که از طرف پادشاه ایران بآنها محول شدونیز بالاخره کمک نیروی دریائی شرکت هندو انگلیس برای طرد پرتغالیها و اسپانیائیها از آبها و کرانه های خلیج فارس و رفت و آمد نمایندگان و سفیران دولتین ایران و انگلیس در دربارهای یکدیگر و نیز امضای قرار دادها و معاهدات تجارتنی و دوستی خود بزرگترین شاهد دوستی و ارتباط نزدیک میان این دو ملت بوده است. پیری و سالخوردگی و اتزوی شاه عباس و بخصوص تشبثات و دسته بندیهای هلندیها که آنها نیز در بازرگانی ایران منافع زیاد داشته تا مدتی باعث شد که ارتباط دولتین قوس نزولی را بسیماید. ضعف سیاست داخلی هلندیها و گرفتاریهای آنها در اروپا بر سوء سیاست کارکنان و مأمورین هلندی در نقاط متصرفی آنها در آسیا افزوده و بخصوص بر تری بافتن نیروی دریائی انگلیس بر هلندیها امور را بنفع انگلیسها بتدریج بر میگرددانید.

اوضاع داخلی ایران و مساعدت دربار و شاه صفی جانشین شاه عباس بر شدت فعالیت انگلیسها در این سرزمین کمک مؤثری کرده نگذاشت کاملاً از این سو ناامید شوند، سوء تفاهم هائی را که در باز ایران بواسطه تحریک ذینفعان فراهم آمده بود بتدریج با آمدن و رفت سفیران و ارسال نامه های دوستانه از طرف پادشاه انگلیس و شرکت هند و انگلیس از میان برده نگذاشتند رشته ارتباط بین دولتین از هم گسیخته گردد.

مراسله ذیل از شارل اول انگلیس بشاه صفی پادشاه ایران است که ترجمه آن عیناً نقل میشود:

«شاهنشاه مقتدر و سلطان بزرگ شاه صفی، شاهنشاه ایران و مادویارت و ارمنستان و سرزمینهای مشهور لار و هرمز و دیگر سرزمینهای پهناور و پر جمعیت.

«شارل بخواست خدای قادر و توانا، پادشاه بریتانیای کبیر، فرانس و ایرلند، مدافع دین مسیح... بیادشاه بزرگ و سلطان مقتدر اعلی حضرت شاه صفی سلام فرستاده سلامتی و سعادت و قدرت و کامیابی را برای شمشیر و افتخار و فتوحات وی آرزو مند است. زمانیکه باخورسندی و خوشحالی خاطر و توانائی و فتوحات درخشان پدر بزرگوارتان شاه عباس را ببادمی آوریم و زمانیکه مانند استشمام عطر جانفرائی یادگارهای دوستی بین نیاکان خود را بخاطر میآوریم، از گفتن تبریک برای جلوس مسعود آن شاهنشاه و تملکشان

بسرزمینی که از مدتهای پیش در تحت اختیار نیاکان مقتدرتان بوده و وارث بلااستحقاق آن هستید و نیز از بیان شرح تمایلات خود مبنی بر ادامه روابط دوستی و ارسال مراسلات که از جانب مایبوسته ملحوظ و مراعات شده است نمی توانیم خودداری نمایم و نیز نمی توانیم این نکته را فراموش نمایم و قدر آنرا ندانیم که پشتیبانی و عدالت شما یبوسته شامل حال اتباع و بازرگانان ما که در کشور وسیع شما بکار کسب و تجارت پرداخته و سکونت اختیار کرده اند بوده و هست. بدینقرار افتخار این کار مانند آفتاب که بر روی مراتع خوش آب و هوای شما پرتومی افکند مایه شادمانی و خورسندی دوستان رخشم و خرابی تمام آنکسانیکه بدیده حسرت و حسادت بدان مینگردند شده است.

در میان سایر مزایا و محاسن مقام پادشاهی شما شهرت و آوازه فتوحات و قدرت و زورمندی شمشیر شما میباشد که مانند برقی در سراسر کشور ما جهیده و قلب تمام رعایای ما را که با تحسین و تمجید تلقی کرده اند شعله ور ساخته است، بهمین جهت حامل این نامه پسر عموی ما « ویلیام کونت دودنبای » که از خدمتگزاران صدیق است و واسطه این احساسات شده و مایل است که شاهد بر این مدعی بوده و قلب خود را که مملو از بزرگی و عظمت آن مقام اعلی میباشد در پیشگاه آن شاهنشاه عرضه دارد. و چون در روی همین اصل ویلیام این مسافرت دور و دراز و طولانی را کرده است و ما هم با وجود اینکه این شخص برای خدمت ما بسیار مفید بوده از وی گذشته و بدین مسافرت رضایت داده ایم.

این شخص که از شاهزادگان کشور میباشد در شمشیر زنی و قوت مشهور و در مشورتها و مجالس سلطنتی وجودش نافع و در خدمت بما صادق و وفادار میباشد، مقام دریا سالاری را که از مشاغل مهمه مملکت است دارا میباشد. بنابراین ما یلیم که ویرا بخوبی و گرمی پذیرائی کرده آنطوریکه شایسته آن مقام اعلی میباشد با وی بنا بر بلندی مقامش رفتار نمائید و هر زمانیکه مایل باشد بوی اجازه دهید که نزد ما مراجعت کرده مرزده سلامتی و سعادت آن شاهنشاه را که بیش از طلا و ادویه هندوستان برای ما قیمت دارد بیاورد.

« تحریر شد در کاخ سلطنتی وست مینستر در سال ششم از سلطنت ما و اطاعت از

دین و قوانین حقّه مقدس مسیح پسر خدا و تنها ناجی بشر، مارس ۱۶۳۰ »

شاه صفی در جواب پادشاه انگلیس نامه ای ارسال داشت. اینک ناعه وی :

هو الله سبحانه و تعالی شاه صفی

الله تعالی باری الهی

نظاماً السلطنته و الشوکتہ و الایاله و الحشمتہ و العظمتہ و العز و الامتتان چارلیس پادشاه انگلیس. مکتوب مرغوب صداقت اسلوب حضرت والا منزات سلطنت و ایالت پناه شوکت و عظمت و جلال دستگاہ حشمت و ابهت انتباه پادشاه عالیجاه آفتاب کلاه اعظم سلاطین شجاعت آئین فرنگیہ اکرم والیان عالیشان صاحب تمکین مسیحیہ شایسته سریر دولت و سروری رفعت بخش بارگاہ عدالت و دادگستری زبده و الیان عزت و نوامیس جعل عواقبه خیرا که درینولا موقوم قلم مخالفت رقم گردانیده باینجناب ارسال داشته بودند در بهترین زمانی وارد گشته مضامین صداقت آئینش که مبنی از کمال موافقت و دوستی و نهایت محبت و یکدلی بود برضه پرنسپل اشرف پرتو ظهور انداخته موجب ازدیاد مواد مودت و اتحاد و افزونی مراتب خلت و وداد گردید و همواره توجه خاطر مهر تأثیر بآن متعلق و مصروفست که به مراتب زیاد از زمان سابق در میانه طریقه محبت و دوستی مرهی و مسلوك بوده باشد

سفارشی که در باب عزت نام زبده الاعیان کیس کیتان ولیم کیس (کونت کایتان و ولیم) نموده بودند شفقت شاهانه همواره شامل حال او بوده و همت و مقرر فرموده ایم که هر گونه کاری و مهمی که درینصوب داشته باشد و بو کلاه دیوان اعلی اظهار نماید بلا تأخیر حسب المدعا سر انجام نمایند و در مزاعات جانب منسوبان آن سلطنت و شوکت قباب خصوصاً کیتان ولیم مذکور و رفقا و مردم ایشان که بهین دیار آمد و رفت مینمایند بهیچوجه من الوجوه تقصیری نمیشود و وظیفه خلت دوستی آنست که از آنجناب نیز بیوسته این شیوه ستوده مسلوك بوده ریاض الفت و آشنائی را باز سال رسل و رسایل تازگی بخشند و هر گونه کاری و مهمی درینصوب داشته باشند بیحجاب از روی موافقت و اتحاد آنها و اعلام نمایند که توحه و اتفاق دوستانه و اعطاف خسروانه بحصول آن موصول گردد. ثانیاً آنها را صدقات اقتضا میگرداند که در سرکار خاصه شریفه از ارباب صنعت و استاد کاران ماهر در هر فن جمعی هستند در این اوقات چند نفر استاد صاحب وقوف که یک نفر مینا کار و یک نفر وقت و ساعت ساز و یک نفر الماس تراش و یک نفر زرگر اعلی و یک نفر تفتگساز و یک نفر نقاش بالادست و یک نفر تویچی آتشباز بوده باشد در سرکار خاصه شریفه ضرور شده و در ولایت ایشان هستند طریقه محبت و یگانگی آنکه بو کلاه عالی امر نمایند که استادان مذکور را باشا گردان و مصالح افزار و انگاز مصحوب کسان معتمد خود ارسال گردانند که در سرکار خاصه شریفه همایون بخدمات مذکوره قیام نمایند و در وقت شروع کار بجهت عمله و افزار و انگاز که موقوف علیه کار ایشان است حالت منتظر نبوده باشد که هر آینه موجب ازدیاد مواد دوستی خواهد بود چون عرض تشبیه مبانی محبت و وداد و تمهید قواعد موافقت و اتحاد بود زیاد اطناب نرفت ایام دولت و کامکاری بر وفق رضای حضرت عزاسمه مقرون بوده عاقبت احوال خیر مال بتوفیقات نامتناهی بخیر و خوبی باد.

(روابط میان دولت ایران و انگلیس باینجا ختم نشده و چنانکه پادشاهان و زمامداران آنها مایل بودند و آرزو داشتند قرنها بعد نیز ادامه یافت.)